



جایگاه و آثار انتقال داخلی و اسناد بین‌المللی محکومان در حقوق

***فخرالدین سلطانی ***جمیل حسن پور ***هادی کرامتی معز
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۱

چکیده

افزایش ارتباطات و رشد روزافزون فناوری در دنیای معاصر، مسایل و مشکلاتی چون رشد جرایم مربوط به اتباع بیگانه در خاک کشورها و در نتیجه بروز مشکلاتی برای این دسته از مجرمین به همراه داشته است. با توجه به اینکه اکثر این مجرمین به مجازات حبس محکوم می‌گردند، انتقال محکومان به عنوان ابزاری در جهت انتقال محکوم علیه از کشور بیگانه به کشوری که وی با آن از نظر مولفه‌های تابعیت یا اقامتگاه ارتباط دارد، پیش‌بینی شده است. نتیجه این پژوهش این است که طبق آن موانع توسعه انتقال محکومان در ایران مواردی چون فقدان آمارهای دقیق از ایرانیان محکوم به حبس در کشورهای خارجی، عدم آشنایی با مزایای این مکانیسم همکاری و... می‌باشد و ما که طبق آن مکانیسم انتقال محکومان، قاعده سنتی عدم اعتبار احکام کیفری خارجی را استثناء پذیر ساخته و در هر دو جنبه مثبت و منفی اعتبار این احکام تأثیر داشته است را مورد تأیید قرار می‌دهد.

***استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران.

***استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهریار، شهریار، ایران.

***مدرس دانشگاه و پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

واژگان کلیدی: انتقال محکومان، حقوق داخلی، اسناد بین‌المللی، حقوق جزای بین

الملل.

مقدمه

بی شک علت و فلسفه‌ی اصلی ایجاد مکانیم انتقال محکومان را باید در شرایط و وضعیت نامناسب زندانیانی جستجو کرد که در کشور بیگانه به مجازات حبس محکوم شده‌اند و بی تردید بیش از این که دولت‌ها قصد استفاده از دیگر مزایای این طرح را داشته باشند، نگرانی آن‌ها از وضعیت ناعادلانه و دشوار اتباع خود در زندان‌های کشورهای دیگر، موجب گسترش و فراگیری این موضوع شده است.

موقعیت و شرایط و سخت مجرمان خارجی، مسایل و مشکلاتی که در طی تحمل دوران حبس در خارج از وطن با آن رو به رو می‌گردند و رفتار کارکنان زندان با آن‌ها، همگی احتیاج به بهبود دارند. اگرچه موضوع اصلی بحث انتقال محکومت می‌باشد و گسترش موافقت‌نامه‌های انتقال به طور واضح برای برخی یا حتی بیشتر زندانیان خارجی مفید می‌باشد، اما با این وجود چنین موافقت‌نامه‌هایی به تنهایی نمی‌تواند همه مسایل و مشکلات مربوطه را حل نماید. همیشه به دلایل مختلف قانونی و ... یک دوره‌ی زمانی قبل از این که شخص بتواند منتقل شود، وجود دارد و علاوه بر آن تعداد معینی از زندانیان خارجی مایل به انتقال نیستند. توافق انتقال نیز میان دو کشور در همه‌ی موارد صورت نمی‌گیرد و سرانجام اینکه شمار نسبتاً کمی از کشورها هم اکنون موظف به انتقال محکومان از طریق موافقت‌نامه‌ها و معاهدات هستند. بنابراین اگرچه انتقال محکومانیک ابزار بسیار مطلوب می‌باشد اما یک راه‌حل عمومی و جامع نمی‌باشد. به دلیل آن که شمار زیادی از مجرمان خارجی به طور غیر قابل اجتنابی بر عملکرد نظام عدالت کیفری و موسسات اصلاح و تربیت، تأثیر می‌گذارند تلاش‌هایی باید صورت پذیرد که اوضاع و شرایط زندان‌هایی را که مجرمان خارجی در آن‌ها محبوس هستند و نیز رفتار با زندانیان را بهبود بخشیده و تعدیل و اصلاح نماید. اقدامات قانونی و عملی باید اتخاذ گردد در جهت ایجاد یک سیستم زندان که در آن

۱۵۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

خصوصیات زبانی، فرهنگی و دیگر خصوصیات مجرمین خارجی کاملاً به رسمیت شناخته شود و ابزارهای مختلف برای باز اجتماعی کردن این گروه از مجرمان مورد استفاده قرار گیرد.

تلاش‌های مختلف داخلی و بین‌المللی در بهبود دادن وضعیت زندانیان خارجی صورت گرفته است برای نمونه می‌توان از حداقل قواعد استاندارد رفتار با زندانیان در کنگره‌ی اول ملل متحد راجع به جلوگیری از جرم و رفتار با مجرمان در سال ۱۵۵ نام برد.^۱

هر چند به دلیل آن که در آن زمان پیش‌نویسان آن توجهی به موقعیت زندانیان خارجی نکردند و در نتیجه تعداد قواعد کمی برای حل مشکل به وجود آمد. نمونه‌ی دیگر قواعد زندان اروپایی می‌باشد. اضافه بر این موارد سازمان ملل متحد علاوه بر این که در تدوین موافقت‌نامه‌های نمونه در این زمینه اقدام نموده است، در بهبود شرایط زندانیان خارجی نیز تلاش نموده است. با توجه به اینکه موافقت‌نامه نمونه‌ی سازمان ملل در ارتباط با انتقال محکومان نمی‌توانست تمام مشکلات را در این زمینه حل نماید. در سال ۱۹۸۴ کمیته‌ی کنترل و پیشگیری از جرم مجموعه‌ای توصیه‌نامه مقرر نمود.^۲ (توصیه‌نامه‌های رفتار با زندانیان خارجی)

شورای اروپا نیز علاوه بر موفقیت در زمینه‌ی تدوین کنوانسیون که در سال ۱۹۸۳ در ارتباط با انتقال محکومان به تصویب رسانده است هم‌زمان در مورد وضعیت زندانیان خارجی فعالیت نموده است. در این راستا هر دو گروه اصلی مجرمین خارجی در نظر گرفته شده‌اند؛ یعنی هم کسانی که به طور مداوم و ثابت در کشور محل حبس اقامت داشته‌اند و هم آنانی که به طور موقت در آنجا مانده‌اند. در مورد دسته‌ی اول، این موضوع در قالب قطعنامه‌ی ۳(۷۵) راجع به جنبه‌های اجرایی و قانونی مجرمیت در

۱. R..Pisani and T. Simon. The United States Treaties on Transfer of Prisoners: A Survey. Pac. L.J. vol ۱۷. ۱۹۸۵-۱۹۸۶, P۸۲۴.

۲. M.Plachta. Transfer of Prisoners under International Instruments and Domestic Legislation: A Comparative Study, ۱۹۹۲, P۹۱.

میان کارگران در سال ۱۹۷۵ بیان شده است. در کنفرانس یازدهم در سال ۱۹۷۸، وزرای دادگستری اروپا راجع به مسایل و مشکلات مطرح شده، توسط زندانیان خارجی بحث نمودند که شامل موضوعاتی در مورد اقدامات کاهش دهنده مشکلات اجتماعی، فرهنگی و زبانی که مجرمین خارجی با آن روبه‌رو هستند، می‌شد. این بحث‌ها منتج به قطعنامه‌ای گردید که به وسیله‌ی آن از کمیته‌ی وزرای شورای اروپا درخواست گردید که از کمیته‌ی اروپایی راجع به مسایل جرم (CDCP) سوال نماید که چه اقدامی باید در خصوص مسایل و مشکلات مطرح گردیده توسط مجرمان خارجی، اتخاذ گردد. متعاقب این در خواست ایجاد یک کمیته‌ی منتخب از کارشناسان حوزه‌ی زندانیان خارجی از ناحیه کمیته‌ی اروپایی راجع به مسایل جرم، پیشنهاد گردید و به وسیله کمیته‌ی وزرا در ژوئن ۱۹۷۹ تصوب شد. در همان زمان شرکت کنندگان کنفرانس چهارم مدیران زندان بر اهمیت پیوستن به آن تأکید داشتند که اولاً مشکلات زندانیان خارجی را که ناشی از عدم شناخت آن‌ها از زبان کشوری است که در آن دوره‌ی حبس خود را می‌گذرانند، کاهش بدهند؛ برای مثال از طریق ترجمه‌ی اسناد و تبیین آن‌ها، برگزاری دوره‌های آموزش زبان برای زندانیان و هم‌چنین کارکنان زندان، و ... ثانیاً به احتیاجات مذهبی و فرهنگی زندانیان رسیدگی شود به طریقی مانند قادر ساختن آن‌ها در اینکه بتوانند رژیم غذایی خاص خود را داشته باشند و روزنامه، مجله و کتاب به زبان خودشان را دریافت کنند. ثالثاً از انزوای اجتماعی آن‌ها جلوگیری شود و در نهایت سازمان‌های داوطلب و اشخاص خصوصی که در این زمینه‌ها کمک می‌کنند را معرفی نمایند.^۱

پس از بیان مطالب فوق راجع به اقدامات اتخاذی سازمان‌های بین‌المللی در حل مشکلات زندانیان خارجی، باید دید نسبت به انتقال زندانیان به کشور خود چه اقداماتی صورت گرفته است. بنابراین در این مبحث ابتدا در گفتار نخست به بررسی جایگاه

۱. M.Plachta. Transfer of Prisoners under International Instruments and Domestic Legislation: A Comparative Study, ۱۹۹۲, P۹۳.

انتقال محکومان در سطح بین‌المللی پرداخته و در ادامه در گفتار دوم جایگاه این ابزار در حقوق ایران مورد بحث قرار گرفته است.

گفتار اول: انتقال محکومان در سطح فراملی

در ادامه توجه به وضعیت زندانیان خارجی اقداماتی مطرح می‌گردد که در کشورها باید در سطح روابط خارجی خود با دیگر کشورها در این زمینه انجام دهند. در اینجا سازوکار انتقال محکومان که موضوع اصلی این پژوهش نیز می‌باشد به عنوان یکی از ابزارها در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است. برای بازگرداندن مجرمین خارجی به کشور اصلی خود چندین راه حل وجود دارد که در این میان انتقال محکومان رسمی‌ترین و منسجم‌ترین راه می‌باشد که از طریق آن حقوق اشخاص محفوظ می‌ماند. راه‌های دیگر که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از تبعید و اخراج از طریق مهاجرت با توافقات کنسولی که به موجب این توافق مأمور کنسولی مجرم را تحویل گرفته و از طریق مرز آن کشور او را منتقل می‌نماید.^۱

طریق غیررسمی دیگر نیز در این زمینه وجود دارد که به اصطلاح انگلیسی به آن «gentleman's agreements» گفته می‌شود و میزان قابلیت اجرایی آن بر مبنای اعتبار کشورها قرار می‌گیرد و باید آن‌ها را از موافقت‌نامه‌های قانونی متمایز نمود؛ زیرا موارد اخیرالذکر در هر صورت الزام‌آور می‌باشند.^۲

در زمینه‌ی انتقال محکومان می‌توان از مدل‌های منطقه‌ای این ابزار در روابط کشورهای بنلوکس، اروپای شمالی، شورای اروپا، کشورهای سوسیالیست، کشورهای عربی، کشورهای آفریقایی، کشورهای مشترک المنافع و کشورهای آمریکایی و هم‌چنین مدل‌های بین منطقه‌ای مانند انتقال محکومان میان اروپا و آمریکا، انتقال محکومان

۱. D. Wan. Prisoner Transfer between Hong Kong and Mainland China: A Preliminary Assessment Brook. J. Int Il., vol ۳۳(۲). ۲۰۰۷, P۳۷.

۲. Ibid, P۳۸.

میان اروپای شرقی و غربی، فرانسه با کشورهای آفریقایی نام برد. علاوه بر این موارد می‌توان به مدل‌های نمونه در این زمینه مانند موافقت‌نامه‌ی نمونه سازمان ملل در زمینه‌ی انتقال زندانیان خارجی اشاره نمود.

همچنین در قانونگذاری داخلی کشورها به انتقال محکومان توجه شده و در کشورهای اروپای شمالی، اتریش، کانادا، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، اسرائیل، هلند، رومانی، سوئیس، ترکیه، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و یوگسلاوی قوانینی در این زمینه به تصویب رسیده است؛ در بندهای آتی به معرفی اسناد بین‌المللی راجع به انتقال محکومان و قوانین کشورهای خارجی در این رابطه پرداخته می‌شود.

بند اول: انتقال محکومان در اسناد بین‌المللی

کنوانسیون اروپایی راجع به اعتبار بین‌المللی احکام کیفری ۱۹۷۰ اولین سند بین‌المللی چند جانبه می‌باشد که در آن انتقال اجرای احکام کیفری از کشور به کشور دیگر پیش‌بینی شده بود. حوزه‌ی اعمال کنوانسیون در خصوص اجرای احکام خارجی گسترده می‌باشد و شامل مجازات‌های سلب آزادی، مجازات نقدی، مصادره یا ضبط اموال و ... می‌گردد. بند ۱ ماده ۳ این کنوانسیون اینگونه مقرر می‌داشت: «یک کشور طرف معاهده در موارد و طبق شرایطی که مقررات این کنوانسیون بیان داشته‌اند در مورد اجرای حکمی که در کشور دیگر طرف معاهده صادر شده و در کشور اخیرالذکر قابل اجرا است، صالح می‌باشد.»

به دلیل محدودیت‌های انتقال محکومان در کنوانسیون فوق از جمله این که مربوط به انتقال به کشور محل اقامت محکوم علیه بود، لزوم تدوین کنوانسیون جامع در این خصوص احساس می‌شد که در نتیجه کنوانسیون راجع به انتقال محکومان شورای اروپا به تصویب رسید.^۱

۱. علی، خالقی، انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۸.

۱۵۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

این کنوانسیون در شورای اروپا و توسط کمیته‌ای از کارشناسان در ۲۱ مارس ۱۹۸۳ برای امضای اعضا مفتوح شد. در کنفرانس یازدهم (شهر کپنهاگ، ۲۲ و ۲۱ ژوئن ۱۹۷۸) وزرای دادگستری اروپا، ضمن رسیدگی به مشکلات و مسایل مطرح گردیده توسط زندانیان خارجی به بررسی امکان انتقال آن‌ها به کشور خودشان برای سپری نمودن ادامه‌ی مجازات حبس پرداختند که این مذاکرات منجر به صدور قطعنامه‌ی شماره ۱ گردید. به موجب این قطعنامه از کمیته‌ی وزرای شورای اروپا خواسته شد که از کمیته‌ی اروپایی راجع به مسایل جرم (CDPC) درخواست تنظیم موافقت‌نامه‌ی نمونه‌ای نماید که حاوی مقررات ساده‌ای در زمینه‌ی انتقال محکومان باشد و طبق آن این موافقت‌نامه برای انتقال محکومان در بین کشورهای عضو و نیز در رابطه بین کشورهای عضو و دیگر کشورها استفاده خواهد شد. در ادامه‌ی این روند کمیته‌ای از کارشناسان برای این موضوع از سوی کمیته‌ی اروپایی راجع به مسایل جرم تشکیل گردید که یکی از وظایف آن‌ها تنظیم چنین موافقت‌نامه‌ای بود. در راستای انجام این وظیفه با اعطای صلاحیت از سوی کمیته‌ی اروپایی راجع به مسایل جرم، کمیته‌ی کارشناسان مجاز گردیدند که به جای چنین موافقت‌نامه‌ای به تنظیم کنوانسیونی چند جانبه بپردازد به شرطی که چنین کنوانسیونی با دیگر کنوانسیون‌های اروپایی در تعارض نباشد. (گزارش توجیهی کنوانسیون شورای اروپا راجع به انتقال محکومان)

کمیته‌ی منتخب فوق متشکل از کارشناسان ۱۵ کشور عضو شورای اروپا یعنی اتریش، بلژیک، دانمارک، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، یونان، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه و انگلستان بود. پیش‌نویس کنوانسیون انتقال محکومان به وسیله‌ی کمیته‌ی اروپایی راجع به مسایل جرم در مه ۱۹۸۲ نهایی گردید و به کمیته‌ی وزرا فرستاده شد. کمیته‌ی وزرا نیز در جلسه‌ی سیصد و پنجاهم خود در سپتامبر ۱۹۸۲ متن کنوانسیون را تصویب کرد و در جلسه‌ی سیصد و پنجاه و چهارم خود در دسامبر ۱۹۸۲ تصمیم گرفتند که کنوانسیون را برای امضاء در ۲۱ مارس ۱۹۸۳ مفتوح نمایند. طبق گزارش توجیهی این کنوانسیون، هدف از انعقاد آن تسهیل

انتقال زندانیان به وطن خود می‌باشد و این امر باید از طریق مکانیسمی ساده و در عین حال سریع صورت پذیرد.^۱ بند ۲ ماده ۲ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «محکوم علیه در قلمرو یک کشور عضو کنوانسیون می‌تواند طبق مقررات این کنوانسیون برای سپری نمودن دوره‌ی محکومیت خود به قلمرو کشور دیگر عضو، منتقل گردد».

یکی دیگر از اسناد مهم انتقال محکومان کنوانسیون اجرای احکام قضایی در امور کیفری (که از این پس آن را کنوانسیون بنلوکس می‌نامیم) می‌باشد که در سال ۱۹۶۸ مورد تصویب قرار گرفت. طبق ماده ۲ آن، کنوانسیون نسبت به احکام محکومیت حبس، جزای نقدی و ... قابل اعمال است و طبق بند ۲ ماده ۴ آن، بنای این کنوانسیون بر این فرض قرار گرفته است که اجرای احکام کیفری خارجی موجب برخورداری از مزایای اجرای صحیح عدالت می‌گردد. این کنوانسیون شبیه کنوانسیون اروپایی راجع به اعتبار بین‌المللی احکام کیفری ۱۹۷۰ می‌باشد از این لحاظ که وظیفه‌ی اجرای حکم کیفری خارجی را بر عهده‌ی کشور طرف درخواست قرار می‌دهد مگر اینکه زمینه‌ی رد درخواست وجود داشته باشد. زمینه‌های رد درخواست را نیز مواردی چون ماهیت سیاسی و نظامی جرم، ارتکاب جرم در خارج از قلمرو کشور صادر کننده حکم و مخالفت با نظم عمومی تشکیل می‌دهند.

دیگر کنوانسیون در این زمینه به کشورهای سوسیالیستی برمی‌گردد. چهارچوب اصلی همکاری کشورهای سوسیالیستی در زمینه‌ی اجرای احکام کیفری خارجی در طی کنفرانس‌های وزرای دادگستری این کشورها در نوامبر ۱۹۷۵ در ورشو پایتخت لهستان، اکتبر ۱۹۷۶ در پایتخت بلغارستان و مه ۱۹۷۸ در برلین بنا نهاده شد. در کنفرانس برلین کنوانسیون انتقال محکومان به حبس به کشورهای خود برای سپری نمودن مجازات در آن‌ها (که از این به بعد آن را کنفرانس برلین می‌نامیم) امضا گردید. اهمیت این کنوانسیون بر این موضوع می‌باشد که اولین کنوانسیون چند جانبه‌ای است

۱. علی، خالقی، علی؛ انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران، پیشین، ص ۱۸.

که در کشورهای سوسیالیستی در زمینه‌ی همکاری بین‌المللی در امور کیفری منعقد شده است. ماده‌ی ۱ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «اتباع هر یک از کشورهای طرف معاهده که در کشور دیگر طرف معاهده محکوم به مجازات سالب آزادی شده‌اند از طریق توافق دو جانبه بین آن کشورها برای سپری نمودن دوره‌ی محکومیتشان به کشوری که تبعه‌ی آنجا می‌باشند، منتقل خواهند شد.»

دیگر کنوانسیون راجع به انتقال محکومان متعلق به کشورهای مشترک المنافع می‌باشد. در مورد کشورهای مشترک المنافع باید گفت که قبل از طرح کشورهای مشترک المنافع در مورد انتقال محکومان دو قانون در انگلستان و مستعمرات آن کشور در سال‌های ۱۸۶۹ و ۱۸۸۴ به تصویب رسیدند که انتقال زندانیان مستعمراتی، نامیده می‌شدند. با این حال این دو قانون تمام موارد انتقال را پوشش نمی‌دادند و در این زمینه نواقصی داشتند. به همین خاطر وزرای کشورهای مشترک المنافع در اجلاس خود در ۱۹۸۰ تصمیم گرفتند که به توسعه‌ی انتقال محکومان پردازند و بالاخره در پایتخت زمبابوه در سال ۱۹۸۶ طرح انتقال محکومان در حوزه‌ی کشورهای مشترک المنافع (که پس از این طرح کشورهای مشترک المنافع نامیده می‌شود) مورد تصویب وزاری این کشورها قرار گرفت. این طرح کشورهای زیادی را در سرتاسر جهان تحت شمول خود دارد که برخی از آن‌ها فاصله‌ی زیادی با یکدیگر دارند. کشورهایی که برخی کوچک و برخی بزرگ، برخی توسعه یافته و برخی در حال توسعه، برخی ثروتمند و برخی فقیر می‌باشند. به دلیل آن که کشورهای تحت شمول این کنوانسیون دارای نظام سیاسی، اجتماعی و سیاست‌های متفاوتی می‌باشند بنابراین این طرح را می‌توان یک کنوانسیون همه جانبه و فراگیر در مورد انتقال محکومان دانست. ماده ۱ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «شخصی که در یک کشور (کشور صادر کننده‌ی حکم) به خاطر ارتکاب جرم به مجازات حبس محکوم شده است می‌تواند طبق مقررات این طرح برای طی باقی مانده حبس خود به کشور دیگر (کشور اجرا کننده‌ی حکم) منتقل گردد.»

در مورد موافقت‌نامه‌های نمونه در زمینه‌ی انتقال محکومان باید به موافقت‌نامه نمونه‌ی سازمان ملل اشاره نمود. مسایل و مشکلات مطرح شده توسط زندانیان خارجی به طور گسترده‌ای در سازمان ملل مورد بحث و بررسی قرار گرفت و این سازمان از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ در جستجوی راه‌حلی برای حل این مشکلات بوده است. در کنفرانس پنجم ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و رفتار با زندانیان در سال ۱۹۷۵ پیشنهاد شد که در جهت تسهیل انتقال محکومان باید در سیاست کشورها و در عمل، اقدامات گسترده و همکاری‌های منطقه‌ای انجام گیرد و موافقت‌نامه‌های دو جانبه منعقد شود. به دنبال این موضوع برخی از اصول کلی انتقال محکومان توسط دبیرخانه این سازمان برای ملاحظه به کنگره‌ی ششم ملل متحد راجع به پیشگیری از جرم و رفتار با زندانیان داده شده که به موجب آن پذیرفته شد که این سازمان نقش اساسی را در جهت کاهش مشکلات زندانیان خارجی و باز اجتماعی کردن آن‌ها داشته باشد. بنابراین در این راه یا کنوانسیون بین‌المللی انتقال محکومان را تصویب نماید یا اینکه یک موافقت‌نامه نمونه به عنوان الگویی برای تنظیم موافقت‌نامه‌های دو یا چند جانبه، پیشنهاد کند.

کنگره‌ی ششم سازمان ملل متحد راجع به موضوع فوق بحث و بررسی نمود و قطعنامه‌ی شماره ۱۳ را راجع به انتقال محکومان صادر نمود که به موجب آن از کشورهای عضو خواسته شده که در جهت انتقال محکومان به پیش‌بینی مکانیسم انجام آن پرداخته و البته در این رابطه، انتقال با قبول طرفین قرارداد و نیز رضایت محکوم علیه انجام خواهد شد. کنگره‌ی ششم ملل متحد فرصت را مقتضی دانست که از سازمان ملل متحد درخواست نماید که اصول مهم و عمومی مندرج در معاهدات موجود را برای به کارگیری آن‌ها در موافقت‌نامه نمونه، مورد شناسایی قرار دهد.

نوشتن موافقت‌نامه‌ی نمونه همراه با این دیدگاه بود که باید با توجه به تفاوت نظام‌های قضایی کشورها و فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف کشورهای عضو، تنظیم چنین موافقت‌نامه‌ای باید همراه با حداکثر قابلیت انعطاف در خصوص موضوعات

۱۵۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

موافقت‌نامه باشد. پس از ارزیابی اسناد انتقال محکومان نوشته شد و موضوعات این پیش‌نویس در کنفرانس‌های بین‌المللی و در جلسات مقدماتی کنگره‌ی هفتم ملل متحد مورد بررسی قرار گرفت.

نمایندگان اجلاس مقدماتی منطقه‌ی آسیا راجع به پیشگیری از جرم و رفتار با زندانیان، بر این نظر بودند که به دلیل وجود هدف بازپروری مجرم در ابزار انتقال محکومان، زندانیان خارجی در انتقال به کشور خود دارای تمایل بیشتری خواهند شد. با این وجود این مطلب مورد تأکید بود که برخی مسایل و مشکلات به دلیل تفاوت‌های عمیق و گسترده در نگرش کشورها نسبت به ابزار انتقال محکومان، وجود دارد. همچنین بر این موضوع تأکید می‌شد که درخواست انتقال باید توسط کشور محل تابعیت مجرم و نه محکوم علیه صورت پذیرد تا این که اعتماد کشور صادر کننده‌ی حکم در مورد اجرای کامل مجازات از بین نرود. به عبارت دیگر درخواست انجام گرفته توسط کشور اجرا کننده‌ی حکم تمایل آن کشور را به اجرای حکم نشان می‌دهد بنابراین حتی در صورت الزام موافقت‌نامه به کسب رضایت محکوم علیه همچنان لازم است که درخواست انتقال از سوی کشور اجرا کننده‌ی حکم و از مسیر و کانال‌های رسمی صورت پذیرد.

نمایندگان اجلاس مقدماتی منطقه اروپا بر این نکته تأکید داشتند که موافقت‌نامه نمونه‌ی انتقال محکومان باید بر پایه‌ی احترام متقابل به حاکمیت ملی و اصل انتقال ارادی قرار گیرد. نمایندگان اجلاس منطقه آفریقا بر این باور بودند که جامعه‌ی بین‌المللی هنوز به این مرحله نرسیده است که انتقال محکومان از طریق سندی بین‌المللی انجام پذیرد.

کنگروه‌ی هفتم متحد راجع به پیش‌گیری از جرم و رفتار با زندانیان که در سال ۱۹۸۵ برگزار گردید موافقت‌نامه نمونه انتقال زندانیان خارجی را مورد تصویب قرار داد و از کشورهای عضو درخواست نمود که اگر تاکنون راجع به انتقال محکومان با دیگر کشورها معاهده‌ای منعقد نموده‌اند یا این که تصمیم دارند در مورد معاهدات موجود

خود تجدیدنظر نمایند، در انعقاد معاهده‌ی انتقال با دیگر کشورها، این موافقت‌نامه‌ی نمونه را مدنظر قرار دهند. ماده ۱ این موافقت‌نامه مقرر می‌دارد: «باید از طریق بازگرداندن اشخاص محکوم در خارج در اولین زمان ممکن جهت اجرای مجازاتشان به کشوری که تبعه یا مقیم آنجا می‌باشند، امکان بازاجتماعی کردن مجرمین افزایش یابد. بنابراین کشورها باید در این زمینه نهایت همکاری را با یکدیگر داشته باشند.» با این حال این موافقت‌نامه‌ها تمام مسایل و مشکلات انتقال محکومان را حل نمی‌نمایند، زیرا همواره قبل از زمان انتقال، زندانیان مدتی را در کشور بیگانه در تحمل حبس به سر می‌برند یا این که ممکن است زندانی با کشورهای طرف قرارداد مایل به انتقال محکوم علیه نباشند. بنابراین با توجه به این مسایل کمیته‌ی پیشگیری و کنترل جرم توصیه‌نامه‌هایی را در ارتباط با زندانیان خارجی مطرح نمود که این توصیه‌نامه‌ها توسط کنگره‌ی هفتم ملل متحد مورد تصویب قرار گرفتند.

در تلاش‌های سازمان ملل متحد در زمینه‌ی انتقال محکومان می‌توان به کنوانسیون ملل متحد علیه تجارت مواد مخدر و مواد روانگردان مصوب ۱۹۸۸ اشاره نمود که اولین سند چند جانبه‌ی جهان شمول در زمینه‌های مختلف از جمله انتقال محکومان می‌باشد.

بند دوم: انتقال محکومان در حقوق کشورهای خارجی

کشورهای اروپای شمالی یعنی دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد به دلیل داشتن ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی و حقوقی مشترک و مشابه، در زمینه‌ی انتقال محکومان و اجرای احکام کیفری خارجی دارای مقرراتی مشابه می‌باشند. همکاری قضایی کشورهای اروپایی شمال که شامل انتقال محکومان نیز می‌گردد براساس اسناد بین‌المللی دو یا چند جانبه قرار نگرفته است بلکه این کشورها در این زمینه به تصویب قوانین یکسان اقدام نموده‌اند. کنوانسیون میان دولت‌های نروژ، دانمارک و سوئد راجع به شناسایی اجرای احکام کیفری که در ۸ مارس ۱۹۴۸ امضاء شد را می‌توان جزء اولین اسناد در زمینه‌ی همکاری‌های قضایی در این کشورها دانست. این

۱۶۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

همکاری‌ها از طریق موافقت‌نامه‌ی همکاری^۱ منعقد شده بین دانمارک، ایسلند، نروژ و سوئد در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۶۲ ادامه پیدا کرد. طبق ماده ۷ این معاهده هر کدام از کشورهای عضو تلاش خواهند کرد مقرراتی را در کشور خود ایجاد نمایند که حکم دادگاه دیگر کشور واقع در اروپای شمالی را در قلمرو خود قابل اجرا سازد. بنابراین ملاحظه می‌گردد که این معاهده خود به تنهایی توانایی اعتبار بخشیدن به احکام کیفری خارجی را ندارد و این موضوع را بر عهده‌ی قوانین کشورهای عضو گذاشته است.

کشورهای اروپایی شمالی بر اساس ماده ۷ معاهده‌ی مزبور اقدام به تصویب قوانینی تقریباً یکسان در زمینه‌ی اعتبار بخشیدن به احکام کیفری دادگاه‌های یکدیگر نمودند و در ادامه به تکمیل این قوانین در ارتباط با شناسایی اعتبار احکام کیفری کشورهای خارج از اروپای شمالی، اقدام نمودند. راجع به قوانین دسته‌ی اول به عنوان نمونه می‌توان به کشور دانمارک اشاره نمود که قانونین معاضدت با کشورهای فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد در ارتباط با اجرای احکام کیفری^۲ را به تصویب رسانده است در مورد قوانین دسته‌ی دوم نیز می‌توان قانون کشور فنلاند با عنوان قوانین همکاری بین‌المللی در خصوص اجرای محکومیت‌های به جنبش^۳ را ذکر کرد.

در اتریش قانون جامعی در زمینه‌ی استرداد و دیگر اشکال همکاری کیفری بین‌المللی وجود دارد که مقررات آن‌ها تنها زمانی اعمال می‌گردد که معاهده‌ی بین‌المللی (که اتریش از اعضای آن باشد) نتواند در غیر این صورت موضوعات انتقال محکومان را حل نماید (ماده ۱).^۴ در کانادا قانون انتقال مجرمان^۵ ۱۹۷۸ وجود دارد که در آن به مقررات و تشریفات انتقال اشاره شده است. جمهوری فدرال آلمان نیز هر چند کنوانسیون شورای اروپا راجع به اجرای احکام کیفری خارجی را امضاء کرده بود ولی

۱. Helsinki Treaty

۲. Law on Cooperation with Finland, Iceland, Norway and Sweden Relating to Enforcement of Penal Sentence ۱۹۶۳, amended ۱۹۸۶

۳. Law on International Cooperation with Respect to Enforcement of custodial Sentences, January ۱۶, ۱۹۸۷, No. ۲۱.

۴. ARHG, ۱۹۷۹

۵. The Transfer of offenders Act of Canada ۱۹۸۷

جایگاه و آثار انتقال محکومان در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی..... ۱۶۱

با این وجود تا زمان تصویب قانون جامعی در این زمینه که اجازه‌ی انتقال محکومان را می‌دهد،^۱ هیچکدام از این کنوانسیون‌ها به تأیید نهایی نرسیده بودند. ماده ۴۹ این قانون شرایط انتقال را بیان می‌کند.

در فرانسه اگرچه چندین معاهده‌ی دو جانبه‌ی انتقال محکومان در دهه‌ی شصت قرن بیستم میلادی با برخی کشورهای آفریقایی منعقد شد اما در این زمینه قانون خاصی وجود نداشت. این کشور در سال ۱۹۸۴ قنونی در این زمینه تصویب نمود که تنها انتقال محکومان از کشور خارجی به کشور فرانسه را پیش‌بینی کرده بود.^۲ برخلاف کشورهای آلمان و اتریش، فرانسه دارای مقرراتی جامع که تمام اشکال همکاری بین‌المللی در مور کیفری را شامل شود، نیست و در این کشور مقررات راجع به انتقال محکومان در قانون آیین دادرسی کیفری^۳ این کشور، وارد شده است. ماده ۷۱۳ این قانون انتقال محکومان و مقررات آن را بیان می‌دارد.

در کشور مجارستان مقررات راجع به شناسایی و اجرای احکام کیفری خارجی در قانون جزای مصوب ۱۹۷۹^۴ این کشور آمده است. بند ۱ ماده ۶ این قانون انتقال محکومان را در صورت وجود کنوانسیون و یا معاهده با کشور خارجی، پیش‌بینی نموده است. اسرائیل انتقال محکومان را در ماده‌ی ۱۰ قانون جزای مصوب ۱۹۷۸ خود پیش‌بینی نموده است. کشور هلند پس از امضای کنوانسیون بنلوکس مصوب ۱۹۶۸ و نیز کنوانسیون اروپایی مصوب ۱۹۷۰ و کنوانسیون شورای اروپا مصوب ۱۹۸۳، قانون انتقال اجرای احکام کیفری را در سال ۱۹۸۶^۵ به تصویب رساند. این قانون حاوی مقرراتی راجع به اجرای احکام کیفری خارجی در کشور هلند و نیز انتقال اجرای

۱. IRG ۱۹۸۲

۲. Law No. ۸۴-۱۱۵۰ on the Transfer of Persons Sentenced and Detained Abroad to France ۱۹۸۴.

۳. The code of Criminal procedure

۴. the penal code of Hungary ۱۹۷۰

۵. the Israail Penal code ۱۹۷۸

۱۶۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

احکام محکومیت صادر شده توسط دادگاه‌های هلند به دیگر کشورها است. ماده ۲ این قانون رابطه‌ی میان آن و اسناد بین‌المللی را مشخص می‌کند و طبق این ماده اجرای احکام کیفری خارجی در کشور هلند تنها طبق معاهده صورت می‌گیرد.

کشور رومانی مقررات راجع به شناسایی احکام کیفری خارجی را در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۹۶۹^۱ خود آورده است. طبق مواد ۵۱۹ و ۵۲۰ این قانون شناسایی و اجرای حکم کیفری خارجی طبق قانون جزای این کشور انجام خواهد گرفت. در کشور سوئیس مقررات راجع به اجرای احکام کیفری خارجی در قانون جزای فدرال این کشور پیش‌بینی شده بود. این قانون تنها به اجرای احکام خارجی در سوئیس توجه داشت و به اجرای احکام صادر شده توسط دادگاه‌های سوئیس در کشورهای دیگر نپرداخته بود. کشور سوئیس در ادامه در سال ۱۹۸۱ قانون جامعی در این زمینه به تصویب رساند و مواد ۸۵ و ۹۴ این قانون شرایط انتقال را بیان داشته‌اند.

در کشور ترکیه در زمینه‌ی انتقال محکومان، قانون اجرای احکام محکومیت به حسب اتباع ترکیه در خارج و اتباع خارجی در این کشور مصوب ۱۹۸۴^۲ وجود دارد. طبق ماده ۲ این قانون شرایط اصلی انتقال محکومان را عمل متقابل و وجود معاهده‌ی بین‌المللی منعقد بین ترکیه و کشور بیگانه تشکیل می‌دهند. در کشور انگلستان قانون بازگرداندن زندانیان در سال ۱۹۸۴^۳ در زمینه‌ی انتقال محکومان به تصویب رسید که ضمن بررسی شرایط و آثار انتقال به پاره‌ای از مقررات آن نیز اشاره خواهیم نمود. ایالات متحده آمریکا نیز قبل از لازم الاجرا شدن معاهدات انتقال محکومان خود با کشورهای مکزیک و کانادا در سال ۱۹۸۲ فصل ۳۰۶ را با عنوان «انتقال به (یا از) کشورهای خارجی»^۴ به مجموعه قوانین خود اضافه نمود. در این قانون تشریفات

۱. code of criminal procedure ۱۹۶۹

۲. the law on Execution of sanctions Involving Deprivation of Liberty Imposed on Turkish Citizens Abroad and on Froeigners in Turkey ۱۹۸۴

۳. The Repatriation of Presoners act of United Kingdom ۱۹۸۴

۴. The ۱۸ U.S.C Chapter ۳۰۶L Transfer to or from foneign countries of united

جایگاه و آثار انتقال محکومان در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی..... ۱۶۳

اجرای معاهدات منعقدہ بین این کشور و دیگر کشورها معین شده است و بر خلاف قوانین کشورهای آلمان، اتریش و سوئیس مقررات این قانون تنها زمانی قابل اعمال است که در زمینه‌ی انتقال محکومان معاهده‌ای منعقد شده باشد. (بند الف ماده ۴۱۰۰) کشور آخری که در این بند از آن نام می‌بریم یوگسلاوی می‌باشد. این کشور انتقال محکومان را در ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی اصلاحی سال ۱۹۸۵^۱ خود پیش‌بینی کرده است. طبق بند ۲ ماده‌ی ۵۲۰ قانون آیین دادرسی این کشور انتقال تنها با وجود معاهده‌ی منعقدہ بین این کشور و دیگر کشورها امکان پذیر می‌باشد.

مبحث دوم: انتقال محکومان در حقوق ایران

در این مبحث در گفتار اول به بررسی وضعیت انتقال محکومان در ایران پرداخته و در این راستا موضوعاتی چون زمینه‌های شکل‌گیری نیاز به استفاده از سازوکار انتقال محکومان، وضعیت موافقت‌نامه‌های موجود در این زمینه و راه‌های توسعه‌ی انتقال محکومان در ایران بیان شده است. در بند دو تأیید موافقت‌نامه‌های انتقال محکومان در شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفته و در این رابطه مبانی نظری تصمیم این نهاد راجع به تأیید یا رد موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی (در معنای عام)، تعارضات ظاهری در تأیید یا رد موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی (در معنای عام) به خصوص موافقت‌نامه‌های انتقال محکومان از سوی این نهاد و نیز وضعیت تأیید این موافقت‌نامه‌ها، با تأکید بر نقش شورای نگهبان قانون اساسی در این روند، مورد توجه قرار گرفته است.

گفتار اول: بررسی وضعیت انتقال محکومان در ایران

states ۱۹۸۲

۱. The Code of Criminal Procedure ۱۹۸۵.

موقعیت جغرافیایی کشور ایران و قرار گرفتن این کشور در همسایگی برخی کشورها مانند افغانستان و نیز داشتن جاذبه‌های گردشگری و زیارتی در این کشور و سایر علل و عوامل سبب شده است هر ساله شماره زیادی از اتباع دیگر کشورها به ایران مسافرت نمایند. به طوری که اعلام شده است ایران با حدود سه میلیون پناهنده مجاز و غیرمجاز، رتبه نخست پناهندگان را به خود اختصاص داده است. موضوعی که تبعات مختلفی از جمله ارتکاب جرم در این کشور و به تبع آن اعمال پاره‌ای از مجازات‌ها از قبیل حبس را به دنبال خود دارد. از سوی دیگر دلایل پیش گفته و مواردی چون مسایل اقتصادی، تحصیلی و ... موجب مسافرت اتباع ایرانی به دیگر کشورها می‌شود که ممکن است در پاره‌ای از موارد محکوم به تحمل حبس در آن کشور شوند. به گفته‌ی مسئولین نیروی انتظامی تنها بیش از ۳۵۰ نفر از اتباع ایرانی در زندان‌های مالزی، تایلند و اندونزی به خاطر قاچاق شیشه زندانی‌اند. و این امر موجب خدشه به وجهه‌ی بین‌المللی کشورمان شده است به گونه‌ای که «پلیس دیگر کشورها به دنبال شکار مسافرین پروازهای ایرانی است، تا با دستگیری قاچاقچیان پاداش به دست بیاورند»^۱ با توجه به مطالب ذکر شده نقش اساسی انتقال محکومان در این زمینه و مزایا و فواید بی‌شمار آن در جنبه‌های مختلف، غیر قابل انکار است.

در این بند به این نکته می‌پردازیم که زمینه‌های شکل‌گیری نیاز به استفاده از سازوکار انتقال محکومان در ایران چه بوده است و در ادامه وضعیت فعلی موافقت‌نامه‌های انتقال محکومان و راه‌های توسعه‌ی این ابزار در حقوق ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بند اول: زمینه‌های شکل‌گیری نیاز به استفاده از ساز و کار انتقال محکومان

طبق آمارهای موجود در سال‌های گذشته، تعداد ۳۸۱۸ نفر از اتباع ایرانی در خارج از کشور و تعداد ۶۳۴۴ نفر از اتباع سایر کشورها در کشورمان محبوس بوده‌اند که از

۱. تارنمای <http://www.fararu.com/pridjro۹.yt۰s۹۶a۲۲y.html>

بین زندانیان محبوس در ایران تعداد ۵۶۰۰ (تقریباً ۸۶ درصد) را اتباع کشور افغانستان تشکیل می‌داده‌اند. ضمن این که طبق آمارهای آن زمان تعدادی حدود ۱۰-۱۲ نفر از اتباع ایرانی در زندان‌های این کشور محبوس بوده‌اند. اگر آمار زندانیان افغانه را به دلیل وجود مشلات حاکم بر آن کشور استثناء کنیم در مجموع ۷۴۴ نفر از اتباع خارجی در کشورمان محبوس بوده‌اند. اما تعداد ۳۸۱۸ نفر از ایرانیان نیز در خارج از کشور تحمل کیفر می‌کنند که مشاهده می‌شود تعداد زندانیان ایرانی محبوس در خارج از کشور تقریباً ۴ برابر زندانیان اتباع سایر کشورها در ایران است. از مجموع ۸۲۹ تبعه‌ی بیگانه محبوس در ایران تنها ۱۹۰ نفر (حدود ۲۰ درصد) مرتکب جرایم مواد مخدر شده‌اند و بقیه (حدود ۷۹ درصد) مرتکب سایر جرایم شده‌اند در حالیکه حدود نیمی از اتباع ایرانی محبوس در خارج از کشور (۴۵/۸۸ درصد) مرتکب جرایم مواد مخدر شده‌اند که مقایسه‌ی درصد جرم مذکور برای زندانیان ایرانی محسوب در خارج از کشور با درصد میزان همین جرم برای زندانیان داخل کشور نشان می‌دهد که تعداد مرتکبین ایرانی و بیگانه این جرم تقریباً برابر است. ۴۷/۶ درصد از کل زندانیان کشور مرتکب سایر جرایم شده‌اند.^۱

با توجه به همسایگی ایران با کشورهای عراق، پاکستان و ترکیه بیشترین زندانیان اتباع بیگانه غیر افغانی محبوس در ایران را اتباع کشورهای عراق (۶۵ درصد)، پاکستان (۲۱ درصد)، ترکیه (۵ درصد) و بنگلادش (۳ درصد) تشکیل می‌دهند در حالی که بیشترین زندانیان ایرانی محبوس در خارج از کشور در کشورهای ژاپن (۱۹/۵ درصد)، عراق (۱۶/۴ درصد)، ترکیه (۱۳ درصد)، امارات متحده عربی (۱۲/۵ درصد)، کویت (۱۱/۴ درصد) و آذربایجان و بحرین (۳ درصد) می‌باشند.^۲ بنابراین ملاحظه می‌گردد که

۱. سید علی، رئیس‌الساداتی، تجربه‌ای موفق، تحلیلی بر قانون موافقت‌نامه انتقال محکومی (زندانیان) جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دوم، شماره ۱۸ - ۱۳۸۲، ص ۳۸.

۲. سید علی، رئیس‌الساداتی، تجربه‌ای موفق، تحلیلی بر قانون موافقت‌نامه انتقال محکومی (زندانیان) جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، پیشین، ص ۳۹.

۱۶۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

سیل مهاجرت ایرانیان به کشورهای عربی، ژاپن، ترکیه و ... برای اشتغال، درآمد بیشتر و زندگی بهتر مشکلات عدیده‌ای برای آنان ایجاد کرد و عده‌ای به دلیل عدم دست‌یابی به این موضوع به کارهای خلاف به خصوص مواد مخدر و سرقت روی آورده‌اند. در نتیجه در زندان‌های سایر کشورها محسوب می‌باشند و همان‌گونه که قبلاً نیز ذکر شده این موضوع به حیثیت و اعتبار کشورمان در سطح بین‌المللی خدشه وارد می‌نماید. جدول زیر وضعیت درصد میزان جرایم ارتكابی اتباع ایرانی در برخی کشورها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. درصد میزان جرایم ارتكابی ایرانی محبوس در برخی کشورها^۱

کشور	جرایم مواد مخدر	سایر جرایم
ژاپن	۳۰	۷۰
عراق	۰	۱۰۰
ترکیه	۸۸/۷	۱۱/۳
امارات	۶۰	۴۰
کویت	۸۱	۱۹
آذربایجان	۸۶/۴	۱۳/۶
بحرین	۵۸/۷	۴۱/۳

به طوری که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌گردد بیشترین جرایم ارتكابی زندانیان محبوس در کشورهای عربی و ترکیه، جرایم مواد مخدر می‌باشد و حدود یک سوم از زندانیان محبوس در ژاپن نیز مرتکب همین جرم شده‌اند.

همچنین طبق آمارهای جدید، در سال ۱۳۸۸ چین آماری از زندانیان خارجی خود ارائه کرد که طی آن مشخص شد ۳۶ تبعه کشورمان به جرم قاچاق مواد مخدر در زندان‌های این کشور به سر می‌برند. زندانیانی که دولت چین بدون کمترین اغمازی ۱۰

۱. همان.

نفرشان را به اعدام، ۱۰ نفر را به حبس ابد و بقیه را به ۳ تا ۱۸ سال حبس محکوم کرده است. طبق گفته‌ی مسئولان قضایی سازمان زندان‌ها در سال ۱۳۸۸ بیشترین اتباع خارجی زندانی در کشور ما، اتباع افغان بوده‌اند که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها به صورت غیر مجاز وارد کشور شده و اقامت غیرمجاز دارند. در این سال حدود ۳/۲ درصد زندانیان ما را اتباع خارجی تشکیل می‌دهند که اتباع کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق در رأس قرار دارند که البته تعداد زندانیان پاکستانی و عراقی بسیار کمتر از افغانه است. طبق گفته‌ی این مسئولان در سال ۱۳۸۸ بشی از ۴۰۰۰۰ افغانستانی و بیش از ۱۰۰ تبعه‌ی عراق و پاکستانی در ایران محبوس بوده‌اند که قاچاق و حمل مواد مخدر، عمده‌ی جرایم ارتكابی اتباع کشورهای افغانستان و پاکستان و اقدام علیه امنیت ملی، اقامت و عبور و مرور غیر مجاز، جرایم علیه اشخاص و جاسوسی از جرایم ارتكابی سایر زندانیان خارجی است.^۱

طبق آمارهای سال مزبور سرانه‌ی نگهداری از زندانیان خارجی همانند سرانه‌ی نگهداری از زندانیان ایرانی، مبلغ ۳۰۰۰ تومان در روز است که اگر این مبلغ در روزهای محکومیت این زندانیان و تعدادشان ضرب شود، می‌توان این هزینه‌ها را حدود ۱۷ میلیون تومان در روز و باری مضاعف بر دوش سازمان زندان ارزیابی کرد.^۲ به نظر می‌رسد توجه به مسایل فوق و اطلاع از این آمار برای مسئولین ذی‌ربط خالی از فایده نباشد.

آمارهای فوق که تنها بخشی از آمار زندانیان خارجی محبوس در ایران و اتباع ایرانی محبوس در خارج را نشان می‌دهد، زمینه‌ی انعقاد موافقت‌نامه‌هایی گردید که در قسمت بعد به آن‌ها اشاره شده است.

۱. محمد، قربان پو، سهیلا حامد، (۱۳۸۸)؛ انعقاد معاهدات معاضدت قضایی در نظام حقوق ایران، تقابل یا همسازی نظام حقوقی بین‌المللی با نظام حقوق داخلی ایران، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۵، ص ۱۶.

۲. بهنام، عباس نژاد لکی، انتقال محکومان: موافقت‌نامه‌ها و شرایط آن بین ایران و کشورهای همسایه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۰، ص ۶۳.

بند دوم: وضعیت موافقت‌نامه‌های موجود در این زمینه

سوالی که در این قسمت مطرح می‌گردد این است که با توجه به آمارهای موجود در زمینه‌ی تعداد اتباع ایرانی محبوس در کشورهای دیگر و هم‌چنین تعداد اتباع خارجی محبوس در ایران کشورمان در جهت استفاده از مزایای انتقال محکومان و حل مشکلات اینگونه زندانیان چه اقداماتی را انجام داده است؟ بررسی وضعیت معاضدت قضایی (در معنای عام) ایران با سایر کشورها و موافقت‌نامه‌های منعقد شده در این زمینه نشان می‌دهد که تلاش‌ها به خصوص در سال‌های اخیر در جهت گسترش این همکاری‌ها رو به افزایش بوده است. در حال حاضر در زمینه انتقال محکومان، ایران با کشورهای آذربایجان، سوریه، اوکراین، کویت، قطر، هند و ترکیه دارای موافقت‌نامه می‌باشد که به دلیل طی مراحل تشریفات قانونی لازم الاجرا شده‌اند. همچنین موافقت‌نامه‌هایی با کشورهای عراقی، تایلند و افغانستان به امضاء رسیده است که در حال حاضر تشریفات قانونی خود را طی می‌نمایند. موافقت‌نامه‌های ایران با کشورهای بلاروس و روسیه نیز پاراف شده است و با کشور ژاپن نیز در این زمینه مذاکراتی صورت گرفته است.^۱

به طوری که ملاحظه می‌گردد در ایران تلاش‌های خوبی به خصوص در سال‌های اخیر در زمینه‌ی انتقال محکومان صورت گرفته است و با بسیاری از کشورهایی که در این زمینه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند موافقت‌نامه‌های همکاری منعقد شده و به مرحله‌ی اجرا درآمده است و یا این که در آینده نزدیک لازم الاجرا می‌گردند. اما با این حال در مورد برخی دیگر از کشورها از قبیل امارات متحده عربی، بحرین، پاکستان، ژاپن و ... اقدام قابل توجهی صورت نگرفته است. از سوی دیگر باید گفت که آمارها در این زمینه ممکن است به علل مختلف دچار تغییر شوند و این امر نیازمند پیش‌بینی

۱. بهنام، عباس نژاد لکی، انتقال محکومان: موافقت‌نامه‌ها و شرایط آن بین ایران و کشورهای همسایه، پیشین، ص ۵۲.

همه جانبه در این مورد می‌باشد به طوری که با انعقاد موافقت‌نامه با اکثر کشورها خلاء قانونی در این زمینه مرتفع شود.

در مورد آمار انتقال محکومان در اجرای موافقت‌نامه‌های منعقد شده بین ایران و دیگر کشورها نیز باید گفت که طبق برخی آمارها که مربوط به موافقت‌نامه‌ی انتقال محکومان بین ایران و کشور آذربایجان می‌باشد در سه نوبت تجربه‌ی انتقال محکومان در سال‌های گذشته تعداد ۳۳۰ نفر از اتباع آذربایجان به این کشور تحویل و تعداد ۱۹۸ نفر از اتباع ایرانی به کشورمان منتقل شده‌اند و ۱۷۱ نفر از اتباع تحویل گرفته شده آزاد شده‌اند و تعدادی نیز با بهره‌مندی از عفو آزاد شده‌اند. طبق این آمار در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۲۸ ده نفر ایرانی با هشتاد و نه نفر از اتباع آذری مبادله شده‌اند.^۱ البته قابل ذکر است که طبق آماری دیگر از زمانی که قرارداد همکاری در زمینه‌ی تبادل اتباع مجرم دو کشور به امضاء رسیده است در ۱۲ سال گذشته، ۳۶۲ مجرم ایرانی زندانی در آذربایجان و ۵۴ تبعه‌ی مجرم آذربایجانی در ایران، تبادل شده‌اند.^۲ البته قابل ذکر است که نوعی تعارض نیز در این آمارها در زمینه‌ی تعداد اتباع آذری منتقل شده به کشورشان به چشم می‌خورد.

به گفته‌ی مسئولین ارشد قضایی سازمان زندان‌ها، موانع انتقال محکومان در ایران بخشی مربوط به رایزنی‌های دیپلماسی است و بخشی دیگر به این موضوع بر می‌گردد که چون اتباع زندانی ما در کشورهایی که اتباع زندانی در ایران دارند، بسیار کم است، مسئولان آن کشورها انگیزه‌ای برای انتقال محکومان ندارند. به طور مثال اگر بنخواهیم این موافقت‌نامه را با کشور افغانستان امضاء کنیم، چون تعداد اتباع زندانی ما در این

۱. سید علی، رئیس‌الساداتی، تجربه‌ای موفق، تحلیلی بر قانون موافقت‌نامه انتقال محکومی (زندانیان)

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، پیشین، ص ۳۹.

۲. بهنام، عباس نژاد لکی؛ انتقال محکومان: موافقت‌نامه‌ها و شرایط آن بین ایران و کشورهای همسایه، پیشین، ص ۳۸.

۱۷۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

کشور اندک است، باید کمتر از ۵ نفر را تحویل بگیریم و در مقابل ۴۰۰۰ نفر را تحویل بدهیم.^۳

بند سوم: راه‌های توسعه‌ی انتقال محکومان در ایران

در این قسمت راهکارهای موجود در زمینه‌ی توسعه‌ی انتقال محکومان در ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه استفاده‌ی اصل از این ابزار در ایران از طریق موافقت‌نامه‌های دوجانبه صورت می‌گیرد بنابراین ابتدا باید افزایش کمی معاهدات دو جانبه در این زمینه مورد توجه قرار گیرد و سپس از دیگر طرق توسعه‌ی این مکانیسم انسان دوستانه صحبت شود.

با توجه به فواید قابل توجه‌ی انتقال محکومان باید در این راستا اقداماتی فراتر از انعقاد چند موافقت‌نامه انجام گیرد؛ زیرا از یک سو هر چند ممکن است مهاجرت اتباع ایرانی به برخی کشورها و نیز مهاجرت اتباع برخی کشورها به کشورمان بیشتر از سایر کشورها باشد و این مسئله به عنوان معیار انتخاب کشورها جهت معاضدت قضایی مدنظر قرار گیرد اما با این حال نباید از این موضوع غافل شد که این مسئله استفاده از ابزار انتقال محکومان را در مورد سایر کشورها نفی نمی‌کند و همان طور که قبلاً ذکر گردید آثار مفید انتقال به اندازه‌ای اهمیت دارد تا در مواردی نیز که آمار زندانیان پایین می‌باشد، آن را به کار گرفت. چنان چه که در عمل کشورهای پیشرفته از چند دهه‌ی گذشته این نکته را مدنظر قرار داده‌اند و با پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی و نیز انعقاد معاهدات دو جانبه در این جهت حرکت نموده‌اند. البته مسئله‌ای که باید در این جا به آن اشاره نمود این است که هر چند در زمینه‌ی انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه با برخی کشورها به دلیل پایین بودن سطح روابط سیاسی ایران با آن کشورها،

۳. بهنام، عباس نژاد لکی، پیشین، ص ۳۹.

محدودیت‌هایی وجود دارد اما در مورد سایر کشورها به نظر می‌رسد که عدم انعقاد موافقت‌نامه بیشتر ناشی از کم توجهی و یا بی‌اطلاعی دولت به دلایلی نسبت به قواعد انتقال محکومان بوده است که البته خوشبختانه در سال‌های اخیر اقدامات خوبی صورت گرفته که امید آن است رو به افزایش باشد.

مطلب دیگر که می‌توان از آن به عنوان محدودیتی در این زمینه نام برد روند تأیید این موافقت‌نامه‌ها در شورای نگهبان قانون اساسی می‌باشد که هر چند در نهایت با دخالت مجمع تشخیص مصلحت نظام و با در نظر گرفتن مصلحت جامعه و زندانیان این گونه موافقت‌نامه‌ها تصویب می‌گردند اما این روند زمان زیاد و غیرقابل توجیهی را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع به طوری به طوری که در مطالب بعد بیشتر به آن خواهیم پرداخت این مجمع کاری را انجام می‌دهد که در اصل در حیطه‌ی وظایف شورای نگهبان قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که عدم وجود آمار دقیق از اتباع ایرانی زندانی در کشورهای دیگر نیز در عدم توسعه‌ی انتقال محکومان در ایران نقش دارد.

علاوه بر انعقاد موافقت‌نامه‌های دو جانبه که به آن‌ها اشاره شد می‌توان به کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه مانند کنوانسیون شورای اروپا ۱۹۸۳ پیوست که البته در حال حاضر به دلیل پاره‌ای از مسایل سیاسی به نظر می‌رسد این امکان برای ایران وجود نداشته باشد. البته کشورهای اروپایی به دلیل پیوستن به برخی اسناد بین‌المللی و در نتیجه حذف برخی از مجازات‌ها از قوانین خود معمولاً در انعقاد موافقت‌نامه‌های خود با دیگر کشورها در زمینه‌هایی چون استرداد محدودیت‌هایی دارند. اما به نظر می‌رسد در ابزاری مانند انتقال محکومان با توجه به ماهیت خاص آن، این محدودیت‌ها به اندازه‌ای نیست که کشور خاصی را از پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی این کشورها یا انعقاد موافقت‌نامه‌های دو جانبه با آن‌ها بازدارد.

راه‌حل دیگری که باید از آن نام برد این است که هر چند در این زمینه، انعقاد موافقت‌نامه‌ها دارای نقش اساسی و بنیادی می‌باشند لیکن نباید نقش قوانین داخلی را در این مورد نادیده گرفت. به طوری که قبلاً ذکر شد این قوانین در رفع بسیاری از

۱۷۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

نواقص معاهدات نقش مفیدی دارند و در پاره‌ای از موارد که موافقت‌نامه انتقال بین دو کشور وجود ندارد. بسیار مفید خواهند بود. به خصوص در کشور ایران که ساختار متفاوت نظام حاکم بر آن و اسلامی بودن حکومت آن سبب شده است در زمینه‌ی اجرای احکام کیفری بیگانه در مقایسه با دیگر کشورها دارای محدودیت بیشتری باشد و بنابراین استفاده از عمل متقابل در این رابطه با دشواری روبه‌رو است و حتی در صورت انجام عمل متقابل، اقدامی غیر قانونی محسوب می‌گردد. بنابراین تصویب قانون در این زمینه و پیش‌بینی عمل متقابل در آن می‌تواند به این موضوع جنبه‌ی قانونی داده و خلاء قانونی را در این مورد رفع نماید و به طوری که در مطالب قبل ذکر شد، برخی کشورها در این زمینه دارای قوانین جامعی می‌باشند.

بند دوم: موافقت‌نامه انتقال محکومین ایران به حبس و موازین شرعی

علیرغم همه مزایایی که برای موافقت‌نامه‌های انتقال محکومین به حبس وجود دارد، یک نکته اساسی هنوز باقی است و آن این که آیا امضای این موافقت‌نامه‌ها بخصوص با دول غیر مسلمان منطبق با موازین شرعی است یا خیر؟ مشکل شرعی از آنجا ناشی می‌شود که براساس این موافقت‌نامه‌ها ایران ملزم می‌شود که اتباع خارجی را که توسط دادگاه‌های ایران محاکمه و به مجازات حبس محکوم شده‌اند، برای ادامه تحمل مجازات حبس به کشور متبوع آن‌ها تحویل دهد. از طرفی به این حق هم دست می‌یابد که اگر اتباع جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خارجی به تحمل حبس محکوم شده باشند، آن‌ها را برای ادامه تحمل مجازاتشان به ایران بیاورد. در قسمت اول کشور بیگانه که احتمالاً پایبند موازین اسلامی هم نیست، به ادامه اعمال مجازات حبس صادر شده توسط دادگاه‌های ایران می‌پردازد و در قسمت دوم هم مقامات جمهوری اسلامی ایران باید حکم صادر شده از دادگاه کیفری خارجی را که به احتمال زیاد غیر اسلامی هم هست اجرا کنند. اتفاقاً در همین قسمت بود که شورای نگهبان در یکی از نظریات خود در مورد این موافقت‌نامه‌ها اظهار داشت که چون

اطلاق مواد آن شامل اجرای رأی صادر توسط قاضی غیر واجد شرایط و غیر منصوب می‌گردد، لذا خلاف موازین شرع است.^۱

به هر حال برای بررسی انطباق یا عدم انطباق این موافقت‌نامه‌ها با موازین شرعی بدو باید به قلمرو این موافقت‌نامه‌ها که عبارت از مجازات حبس است و نیز جایگاه مجازات حبس در دسته‌بندی فقهی مجازات‌ها اشاره کرد. همان گونه که می‌دانیم مجازات حبس فقط در قلمرو مجازات‌های تعزیری قابل طرح است و اساساً جز در مورد مجازات سارق مستوجب حد در بار سوم (حبس ابد) این مجازات هیچ جایگاهی در جرائم مستوجب حدود و قصاص ندارد. حتی برخی از فقها که بعضاً دستی هم در امور اجرایی داشته و دارند، اعمال چنین مجازاتی را منطبق با موازین شرعی نداشته، به جد اعتقاد دارند که در سیاست کیفری اسلام زندان به عنوان یک مجازات جایگاهی ندارد.^۱

صرف نظر از این تردید جدی در مورد مجازات حبس واقعیت آن است که حبس شایع‌ترین مجازات در حقوق کیفری فعلی ایران به شمار می‌آید و جایگاه آن هم صرفاً در قلمرو مجازات‌های تعزیری است.

با این مقدمه دو فرض مورد اشاره را جهت تطبیق با موازین شرعی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم. در فرض اول به نظر می‌رسد که چون قلمرو این موافقت‌نامه‌ها، صرفاً مجازات حبس است و مجازات حبس هم از زمره جرائم تعزیری است، چندان اشکال شرعی وجود نداشته باشد؛ چون فقهای مسلمان پذیرفته‌اند که اختیار وضع مجازات تعزیری بنا به تشخیص حاکم است و او به خاطر مصالحی می

۱. مرکز تحقیقات شواری نگهبان، مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، دوره ششم؛ سال اول، ۱۳۸۰، ص ۲۰۰.

۱. سید محمود، هاشمی، شاهرودی، سخنرانی افتتاحیه اولین همایش بررسی راه‌های جایگزین مجازات حبس، مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها، ۱۳۸۱، ص ۳۰.

تواند از مجازات مجرم صرف‌نظر کند یا در مورد نحوه اجرای آن هر گونه که مصلحت باشد، تصمیم بگیرد.^۲

برخی گفته‌اند «تعیین نوع و مقدار هر تعزیر در هر دوره زمانی به نظر ولی امر بستگی دارد و از مسئولیت‌های آن مقام به شمار می‌آید.»^۳ به گفته ایشان: در شرایطی که جامعه اسلامی از تشکیلات برخوردار است، وظیفه ولی امر یعنی مدیریت جامعه است که گروهی از فقهای صاحب نظر و آگاهان به اوضاع و احوال جامعه را بر این کار بگمارد تا جرم‌ها و جنایات احتمالی را با در نظر گرفتن علل وقوع آن‌ها ارزیابی کنند و عقوبت‌های متناسب را که بازدارنده و مؤثر باشند با حدود تقریبی آن وضع کنند.^۱

اگر این مبنا در مورد تعزیرات پذیرفته شود که ظاهراً در جمهوری اسلامی ایران چنین است، اشکالی ندارد که مقنن به عنوان بازوی تقنینی ولی امر (رهبری) بنا به مصالحی بپذیرد که حکم صادر در دادگاه‌های ایران در خصوص مجازات حبس اتباع بیگانه در صورت درخواست آن‌ها و موافقت کشورشان توسط مقامات قضایی کشور خودشان اجرا شود؛^۲ خصوصاً که موافقت دولت ایران هم در این موارد لازم است و

۲. حسینعلی؛ منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد سوم، ترجمه و تقریر محمد صلواتی، قم، نشر تفکر، ۱۳۷۰، ص ۴۸۴.

۳. محمد هادی؛ معرفت، بحثی در تعزیرات، مجله کانون وکلا، شماره ۱۴۷-۱۴۸، ۱۳۶۸، ص ۵۶.

۱. همان، ص ۵۷.

۲. پذیرش قاعده منع محاکمه مجدد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هم در همین راستا قابل ارزیابی است. توضیح این که مقنن در مواد ۷ (اصل صلاحیت شخصی) و ۸ این قانون (اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه)، قاعده منع محاکمه مجدد را در قلمرو مجازات‌های تعزیری پذیرفت و شورای نگهبان هم حداقل در قلمرو مجازات‌های تعزیری غیر منصوص شرعی که گستره وسیعی از تعزیرات را در حقوق کیفری ایران تشکیل می‌دهد، آن‌ها را مخالف موازین شرعی ندانست. مجازات‌های تعزیری منصوص شرعی به مجازات‌هایی گفته می‌شود که هم موضوع تعزیر، یعنی عمل منهی‌عنه و هم نوع و میزان مجازات تعزیری آن در شرع مشخص گردیده است، مانند نزدیکی با زوجه در ماه رمضان که مجازات آن در روایات ۲۵ ضربه شلاق تعیین شده است. ملاحظه می‌شود که در این مصداق، هم عمل حرام (مقاربت با همسر در ماه رمضان)، هم نوع مجازات (شلاق) و هم میزان مجازات (۲۵ ضربه)

دولت ایران می‌تواند در موارد خاص از پذیرش درخواست مجرم و دولت متبوع او خودداری کند.

اما در خصوص قسمت دوم مطلب، یعنی فرضی که مقامات قضایی ایران براساس این موافقت‌نامه‌ها باید مجازات حبس صادر شده توسط دادگاه‌های کشورهای دیگر از جمله غیرمسلمان را اجرا کند و البته حق رسیدگی مجدد به جهت ارتکاب چنین عملی را هم ندارند، قضیه به طرق دیگری قابل بررسی است و خود فروض متعددی را در بر می‌گیرد.

در ساده‌ترین فرض، اتباع ایرانی موضوع مجازات حبس در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرائم تعزیری شده‌اند که با توجه به مطالب فوق و ماهیت تعزیری جرائم اشکالی به نظر نمی‌رسد، به خصوص که مصالح محکوم و خانواده او اقتضای بیرون آوردن مجرم از سلطه بیگانه احیاناً غیرمسلمان (قاعده نفی سبیل) را دارد. اما در مواردی که جرم ارتكابی اتباع ایرانی در خارج از کشور از قبیل جرائم مستوجب حد یا قصاص باشد که بر اساس قوانین کشورهای محاکمه‌کننده مجازات حبس در مورد آن‌ها اعمال شده، ملزم شدن ایران به اجرای این مجازات چندان به مذاق شرع خوش نمی‌آید؛ چون بنا به فرض، ایرانی در خارج از ایران مرتکب زنا یا لواط یا قتل عمدی شده است که براساس این موافقت‌نامه‌ها، دادگاه‌های ایران نمی‌توانند آن‌ها را به جهت ارتکاب این جرائم مجدداً محاکمه کرده، مجازات حبس صادر توسط دادگاه‌های خارجی را نادیده بگیرند.

مشخص شده است. با این اوصاف، تعداد جرائم تعزیری منصوص شرعی در موازین فقهی اندک است و قسمت عمده، بلکه قریب به اتفاق تعزیرات در قلمرو مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص شرعی قرار می‌گیرد. با توجه به مطالب اشاره شده تعزیر غیر منصوص شرعی تنها شامل مقررات حکومتی نمی‌شود بلکه بمایراه الحاکم‌ها هم نظیر توهین، ارتشا، کلاهبرداری و ... را مصداق تعزیرات غیر منصوص شرعی هستند. (شمس ناتری و دیگران؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی؛ جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲، صص ۳۴۰-۳۴۲)

در واقع شخصی را که متعاقب این موافقت‌نامه‌ها برای ادامه تحمل اجرای مجازات حبس به ایران تحویل می‌شود؛ نمی‌توان به خاطر همان جرم محاکمه کرد. مقامات ایران فقط مکلفند در چارچوب این موافقت‌نامه‌ها مجازات حبس را اجرا کنند و از تشدید وضعیت مجازات محکوم خودداری ورزند، در حالی که از لحاظ موازین شرعی مجازات چنین شخصی پس از محاکمه در دادگاه‌های ایران باید مجازات حد یا قصاص باشد، نه حبس.

نتیجه آن می‌شود که دولت ایران با تصویب این موافقت‌نامه‌ها دست دادگاه‌های خود را برای اعمال مجازات شرعی در مواردی حتی نادر نسبت به اتباع خود می‌بندد که این امر خلاف موازین شرعی به نظر می‌رسد. البته شاید در مقام عمل؛ مصادیقی در خصوص مثال‌های فوق پیش نیاید؛ چون یکی از شرایط مهم انتقال محکومین به حبس رضایت مجرم است و طبیعتاً مجرم که خود ایرانی است و از قوانین ایران هم مطلع است، راضی به انتقال نخواهد بود؛ اما از لحاظ نظری مشکل کماکان باقی است.^۱

۱. البته در خصوص جرائم مستوجب حد مباحث دقیق‌تری هم قابل طرح است. که در حد این مقاله نمی‌گنجد. و فقط به آن‌ها اشاره می‌شود؛ از جمله این که بسیاری از فقها اجرای حد در زمان غیبت را جایز نمی‌دانند. (محقق داماد، مصطفی؛ قواعد فقه بخش جزایی، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۲۸۵). برخی از مذاهب اسلامی همچون حنفیه معتقدند اگر یک فرد مسلمان جرمی را در خارج از سرزمین اسلامی انجام دهد حکومت اسلامی وظیفه رسیدگی به این جرم را ندارد؛ زیرا در محلی که تحت حاکمیت اسلام نیست واقع شده است. (عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، موسسه الرساله، جلد اول، ۱۴۰۹، صص ۲۸۶-۲۸۰) و این که اجرای برخی از حدود مثل رجم در جامعه جهانی فعلی باعث گریزان شدن مردم از دین می‌گردد که بنا به قاعده حرمت تنفیر از دین، اجرای آن‌ها جایز نیست. (نوبهار، رحیم؛ اهداف مجازات‌ها در جرائم جنسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۰). توجه همه جانبه به تمامی این نظریه‌ها و نظرهای دیگری که در خصوص اجرای حد وجود دارد می‌تواند به استنباط دقیق‌تر از اجرای آن در جامعه فعلی بینجامد. (پوربافرانی، حسن؛ و بیگی حسن، فاطمه؛ اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرایم مستوجب مجازات‌های تعزیری، پژوهش نامه حقوق کیفری، شماره ۷، ۱۳۹۲، ص ۷۵).

به نظر نگارنده در این مورد هم مصالح مهمی چون مصلحت مجرم، خانواده او و ضرورت رهایی یک فرد مسلمان از سلطه بیگانه، اقتضای تن دادن به چنین موافقت نامه‌هایی را دارد. در تاریخ اسلام موارد زیادی را می‌توان یافت که پیامبر (ص) و سایر بزرگان بنا به مصالحی معاهداتی حتی با دشمنان بسته و با توجه به اصل وفا به عهد به آن‌ها پایبند هم بوده‌اند.^۲

نکته مهم دیگر درخصوص فرض اخیر آن است که شرط اجرای این موافقت‌نامه‌ها علاوه بر رضایت مجرم، رضایت هر دو دولت صادر کننده حکم است و دولت ایران می‌تواند در مواردی که اتباع او در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرائم مستوجب حد و قصاص شده‌اند؛ آن‌ها را از طریق ساز و کارهای اجرایی این موافقت نامه وارد ایران نکند و از طرق قانونی دیگری از جمله استرداد مجرمین و غیره به دادگاه‌های ایران بکشاند یا حتی منتظر اتمام مجازات حبس در کشور خارجی و ورود شخص به ایران بماند.

به عبارت دیگر اگر قرار است با اعمال این موافقت‌نامه‌ها درخصوص جرائم مستوجب حد و قصاص، چنین محدودیتی برای دادگاه‌های ایران به وجود آید، بهتر است مقامات قضایی ایران در این موارد به ساز و کارهای اجرایی این موافقت‌نامه‌ها تن ندهند. این موافقت‌نامه‌ها هم دست دولت ایران را برای چنین اقدامی باز گذاشته‌اند. لذا با توجه به اختیار دولت ایران در خصوص اعمال این موافقت‌نامه‌ها نمی‌توان آن‌ها را مغایر با موازین شرعی شناخت. به هر حال یک فرض تقریباً نادر که شاید به ندرت مورد عملی پیدا کند و دست دولت ایران هم به شرح فوق برای تن ندادن به الزامات آن کاملاً باز است، نباید باعث شود که دولت ایران خود را از مزایای بسیار این موافقت نامه محروم کند.

۲. محمدرضا، ضیایی بیگدلی؛ اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵، ص ۵۰.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

وجود تعداد زیادی از اتباع ایرانی در زندان‌های کشورهای دیگر و برعکس باعث شده تا دولت ایران در پی انعقاد موافقت‌نامه‌ی انتقال محکومین به حبس با سایر دولت‌ها باشد. دولت ایران با پذیرش و آسان‌گیری در انتقال زندانی ایرانی به داخل کشور، حمایت خود از اتباع زندانی‌اش در سایر کشورها و همزمان حمایت خود از خانواده این زندانیان را نشان می‌دهد. همین‌طور موازین حقوق بشر نیز در سایه این نوع موافقت‌نامه‌ها بیش از پیش رعایت می‌گردد.

با پذیرش این نوع موافقت‌نامه‌ها علاوه بر تحولی که در پذیرش اعتبار احکام خارجی به وجود می‌آید، اصلاح و هزینه‌های اصلاح مجرمین نیز بهتر و بجا صورت می‌پذیرد. همین‌طور دولت ایران با انتقال زندان خارجی به کشور خودش، ضمن رعایت موازین انسانی از تحمل هزینه‌های زیاد ناشی از نگهداری او در زندان‌های می‌یابد. به همین جهت در سال‌های اخیر شاهد گسترش این نوع موافقت‌نامه‌ها بین دولت ایران و سایر دولت‌ها هستیم. در سطح بین‌المللی نیز با گسترش روابط بین‌المللی تصویب این نوع موافقت‌نامه‌ها فرآیند رو به رشدی داشته است.

علیرغم مشکلات عمدتاً حاکمیتی که وجود دارد، دولت‌ها (از جمله دولت ایران) با منافع‌ی که در این گونه موافقت‌نامه‌ها می‌یابند در پذیرش آن‌ها دیگر سخت‌گیری گذشته را ندارند. همان‌گونه که اشاره شد، به رغم نظرهای ارائه شده توسط شورای نگهبان در خصوص بسیاری از این موافقت‌نامه‌ها به نظر نمی‌رسد که از لحاظ موازین شرعی نیز منعی برای پذیرش این موافقت‌نامه‌ها وجود داشته باشد. در جرائم تعزیری، چه در حالتی که یک تبعه خارجی از زندان ایران برای گذراندن بقیه محکومیتش منتقل می‌شود، با توجه به ماهیت جرائم تعزیری که اختیار وضع آن‌ها به دست حاکم (در حال حاضر مجلس شورای اسلامی) است و خود او می‌تواند برای موارد خاص و به خاطر مصالح برتری، در روش انجام آن تغییراتی بدهد، ایرادی وارد نیست؛ اما در خصوص جرائم مستوجب حد و قصاص، از یک طرف قضیه مشکلی مطرح نمی‌شود و آن

هنگامی است که خارجی‌ان در کشور ایران مرتکب این دو جرم (مستوجب حد و قصاص) شوند. در مواردی که جرم ارتكابی اتباع ایرانی در خارج از کشور از قبیل جرائم مستوجب حد یا قصاص باشد که براساس قوانین کشورهای محاکمه‌کننده مجازات حبس در مورد آنها اعمال شده، ملزم شدن ایران به اجرای این مجازات چندان به مذاق شرع خوش نمی‌آید؛ چون بنا به فرض، ایرانی در خارج از ایران مرتکب زنا یا لواط یا قتل عمدی شده است که براساس این موافقت‌نامه‌ها، دادگاه‌های ایران نمی‌توانند آنها را به جهت ارتكاب این جرائم مجدداً محاکمه کرده، مجازات حبس صادر توسط دادگاه‌های خارجی را نادیده بگیرند. در واقع شخصی را که متعاقب این موافقت‌نامه‌ها برای ادامه تحمل اجرای مجازات حبس به ایران تحویل می‌شود نمی‌توان به خاطر همان جرم محاکمه کرد. مقامات ایران فقط مکلفند در چارچوب این موافقت‌نامه‌ها مجازات حبس را اجرا کنند و از تشدید وضعیت مجازات محکوم خودداری ورزند، در حالی که از لحاظ موازین شرعی مجازات چنین شخصی پس از محاکمه در دادگاه‌های ایران باید مجازات حد یا قصاص باشد، نه حبس. نتیجه آن می‌شود که دولت ایران با تصویب این موافقت‌نامه‌ها دست دادگاه‌های خود را برای اعمال مجازات شرعی در مواردی حتی نادر نسبت به اتباع خود می‌بندد که این امر خلاف موازین شرعی به نظر می‌رسد. البته شاید در مقام عمل مصادیقی در خصوص مثال‌های فوق پیش نیاید؛ چون یکی از شرایط مهم انتقال محکومین به حبس رضایت مجرم است و طبیعتاً مجرم که خود ایرانی است و از قوانین ایران هم مطلع است، راضی به انتقال نخواهد بود؛ اما از لحاظ نظری مشکل کماکان باقی است. به نظر نگارنده در این مورد هم مصالح مهمی چون مصلحت مجرم، خانواده او و ضرورت رهایی یک فرد مسلمان از سلطه بیگانه، اقتضای تن دادن به چنین موافقت‌نامه‌هایی را دارد. در تاریخ اسلام موارد زیادی را می‌توان یافت که پیامبر (ص) و سایر بزرگان بنا به مصالحی معاهداتی حتی با دشمنان بسته و با توجه به اصل وفا به عهد به آنها پایبند هم بوده‌اند.

۱۸۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

پیشنهاد نگارنده که از خود این موافقت‌نامه که با گرده برداری از اسناد بین‌المللی نگاشته شده‌اند، در نظر دارد؛ آن است که در هر مورد خاص رضایت هر دو دولت صادر کننده حکم و دولت اجرا کننده حکم لازم است و دولت ایران می‌تواند در خصوص این دو نوع جرم، یعنی جرائم مستوجب حد و قصاص، رضایت خود را به انتقال اعلام نکند یا اساساً در خود موافقت‌نامه‌ها و به هنگام تنظیم آن‌ها، به صورت کلی جرائم مستوجب حد و قصاص را از زمره جرائم مشمول انتقال محکومین به حبس خارج کند و البته برای تعقیب و مجازات چنین مرتکبینی از راه‌های دیگر استفاده کند.

فهرست منابع:

۱. پوربافرانی، حسن؛ و بیگی حسن، فاطمه؛ اعمال قاعده منع محاکمه مجدد در جرایم مستوجب مجازات‌های تعزیری، پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۷، ۱۳۹۲.
۲. خالقی، علی؛ انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳.
۳. شمس‌ناتری محمد ابراهیم و دیگران؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی؛ جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.
۵. رئیس‌الساداتی، سیدعلی؛ تجربه‌ای موفق، تحلیلی بر قانون موافقت‌نامه انتقال محکومی (زندانیان) جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال دوم، شماره ۱۸ - ۱۳۸۲.
۶. عباس نژاد لکی، بهنام؛ انتقال محکومان: موافقت‌نامه‌ها و شرایط آن بین ایران و کشورهای همسایه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۰.
۷. عوده؛ عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، موسسه الرساله، جلد اول، ۱۴۰۹.

۱۸۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۶

۸. محقق داماد، مصطفی؛ قواعد فقه بخش جزایی، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹.

۹. مرکز تحقیقات شواری نگهبان، مجموعه نظریات شواری نگهبان در مورد

مصوبات مجلس شواری اسلامی، دوره ششم؛ سال اول، ۱۳۸۰.

۱۰. معرفت، محمد هادی؛ بحثی در تعزیرات، مجله کانون وکلا، شماره ۱۴۷-۱۴۸،

۱۳۶۸.

۱۱. منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد سوم، ترجمه و تقریر

محمد صلواتی، قم، نشر تفکر، ۱۳۷۰.

۱۲. نوبهار، رحیم؛ اهداف مجازات‌ها در جرائم جنسی، قم، پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.

۱۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ سخنرانی افتتاحیه اولین همایش بررسی راه

های جایگزین مجازات حبس، مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها، ۱۳۸۱.

۱. C.D. Wan. Pisoner Transfer between Hong Kong and Mainland China: A Prefiminary Assessment Brook. J. Int Il., vol ۳۳(۲). ۲۰۰۷

۲. M.Plachta. Transfer of Prisoners under International Instruments and Domestic Lagislation: A Comparative Study, ۱۹۹۲.

۳. R.:.Pisani and T. Simon. The United States Treaties on Transfer of Prisoners: A Survey. Pac. L.J. vol ۱۷. ۱۹۸۵-۱۹۸۶.

۱. <http://Conventions.coe.int/Treaty/en/Reports/Html/۱۱۲.htm>

۲. <http://alef.ir/۱۳۸۸/content/view/۱۰۸۲۱۲/>.

۳. <http://www.fararu.com/pridjro۹.yt۰s۹۶a۲۲y.html>.

